

بررسی انواع تلمیحات در اشعار اخوان ثالث

زهرا علیزاده

مدرس دانشگاه ملی مهارت- واحد استان یزد

چکیده

مهدی اخوان شاعری نوپرداز است. در حقیقت سبک اوترکیبی از سبک خراسانی و نیمایی است. مجموعه ی شعرهای اخوان ثالث عبارتند از: ارغنون، زندگی می گوید اما باید زیست، دوزخ اما سرد، آخر شاهنامه، از این اوستا، ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم، در حیاط کوچک پاییز در زندان، می باشد. ویژگیهای سبکی و سبک گذشتگان و نیز موضوعات گذشته و حال در شعر او نمود خاصی دارد. موضوعاتی مانند طبیعت، عشق، زندگی، عرفان، حماسه، مرثیه، طنز در شعر او وجود دارد. به موازات موضوعاتی که در شعر قدما وجود دارد، موضوعات جدید را نیز وارد شعر کرده است. تلمیح یکی از مهمترین و پر کاربرد ترین آرایه های ادبی است که در شعر اخوان دیده می شود. این آرایه باعث خیال انگیزی و زیبایی کلام و ایجاز سخن می گردد. هرچه قدر تلمیحات برای خواننده واضح تر گردد، تأثیر شعر بروی بیشتر و آشنایی با شخصیت و افکار شاعر افزونتر خواهد بود. دانستنیهای قرآنی به صورت اشاره، اقتباس، ترجمه، و تلمیح در اشعار اخوان دیده می شود، و این نشان دهنده توجه شاعر به قرآن و احادیث و مذهب است. نگارنده در این مقاله به بررسی انواع تلمیحات به کار رفته در اشعار اخوان می پردازد.

واژگان کلیدی: اخوان، تلمیح، قرآن، اشعار، خیال انگیزی

مقدمه

تلمیح از آشناترین و پر سابقه ترین شگردهای بلاغی در ادبیات ایران و جهان است. تلمیح پیش از آنکه یک شیوه ی هنری و ظرافت زیبا شناختی باشد، در کنار واژگان و تعبیر دشوار در شمار گره هایی است که برای فهم متون باید آنها را گشود. برای دریافتن آرایه تلمیح باید خواننده از پشتوانه علمی وادبی و تاریخی برخوردار باشد. از جمله شاعران معاصری که، در اشعارش زیاد تلمیح به کار برده است، مهدی اخوان ثالث می باشد. به خصوص تلمیحات ایرانی قبل از اسلام بیش از سایر تلمیحات است. به گونه ای که می توان گفت یکی از برجسته ترین خصوصیات شعر اخوان گرایش به اساطیر و ویژگیهای زندگی ایرانی است. شعر اخوان در گذر زمان نشان دهنده تحول و دگرگونی در نوع نگاه و بینش او نسبت به جهان خارج است، اودر طول دوره های شاعری خود مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته است و به گواهی اشعارش می توان سیر تکاملی نگرش او را دید و شناخت.

اخوان و آثارش

شاعر و نویسنده ی برجسته ی معاصر و متخلص به م. امید، در سال ۱۳۰۷ ه. ش در مشهد به دنیا آمد. مهارت اخوان در شعر حماسی است. او درن مایه های حماسی را در شعرش به کار می گیرد. وجنبه هایی از این درون مایه ها را به استعاره و نماد مزین می کند.

مهدی اخوان ثالث، در عرصه ی شعر معاصر ایران از شاعران بزرگ نیمایی شناخته شده است. شاعری، را با شعر سنتی در مجموعه ی از ارغنون شروع می کند و سرانجام هم دفتر شعرش، با مجموعه ی، ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم به شعر سنتی ختم می شود. سیر تاریخی شعر اخوان به روایت هشت مجموعه شعری از این قرار است:

۱- ارغنون (۱۳۳۰): (شعرهای سنتی)

۲- زمستان (۱۳۳۵): (شعرهای نیمایی، نیمه سنتی و سنتی)

۳- آخر شاهنامه (۱۳۳۸): (شعرهای نیمایی، نیمه سنتی و سنتی)

۴- از این اوستا (۱۳۴۴): (شعرهای نیمایی و سنتی)

۵- در حیات کوچک پاییز در زندان (۱۳۵۵): (شعرهای نیمایی و سنتی)

۶- زندگی می گوید: اما باید زیست (۱۳۵۷): (شعرهای نیمایی)

۷- دوزخ اما سرد (۱۳۵۷): (شعرهای نیمایی، نیمه سنتی، و سنتی)

۸- ترا ای کهن بوم و بردوست دارم (۱۳۶۸): (شعرهای سنتی)

با این همه شهرت اخوان بیشتر در گروههای شعری نیمایی اوست. اوشاعر نوپرداز شناخته شده است.

اوهمچنین در زمینه ی نظریه پردازی و تثبیت شعر نیمایی دو کتاب عطا و لقای نیما و بدعت ها و بدایع نیما یوشیج را منتشر نمود. آخرین دفتر شعر اخوان، با عنوان تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم، مانند دفتر نخست او، در قالب سنتی و با سبک حماسی است. اخوان در سال ۱۳۶۹ ه. ش در گذشت و در کنار آرامگاه فردوسی بزرگ به خاک سپرده شد. (نقوی - عزیزی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵)

تعریف تلمیح

شعر هم مانند هر هنر دیگری، برای برقراری ارتباط با مخاطبان خود نیازمند فنون و ابزارهایی است که یکی از آنها تلمیح نام دارد. تلمیح به تقدیم لام برمیم (از ریشه ی لمح) در لغت به معنی دیدن و نظر کردن و آشکار ساختن و

اشاره کردن است. در اصطلاح علم بدیع، اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است، به شرطی که آن اشاره چنان که از معنی اشاره بر می آید، تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در برنگیرد. از این رو برای درک بیت یا عباراتی که حاوی تلمیحی است، می باید داستان یا شعر یا مثل سائر مورد اشاره را به تمامی دانست. (شمیسا، ۱۳۸۶، ص ۹)

این آرایه معنوی در محدوده ی علم بدیع قرار می گیرد که اهل فن آن را چنین تعریف می کنند: تلمیح در علم بدیع به آرایه ای گفته می شود که گوینده در ضمن بیان به داستان یا رویداد یا آیه ای از قرآن کریم اشاره می کند. (صادقیان، ۱۳۷۸، ص ۱۵۴)

با توجه به این تعریف، لازمه ی دریافت مفهوم بیتی که ساختار تلمیحی دارد، این است که شنونده وخواننده از قبل با اصل داستان، افسانه، حدیث و غیره آشنایی داشته باشند.

اهمیت جمع آوری تلمیحات

تلمیحات عصاره ی داستان هایی فرهنگی هستند، و با مطالعه ی آن می توان به محتوای فرهنگ قومی توجه یافت و نحوه ی تلقی و برخورد تاریخی اقوام را با جهان و فراجهان دریافت. علاوه بر جنبه های مردم شناسی و جامعه شناسی و روان شناسی این مطالعات، به چند مورد زیر در ارتباط با مطالعات ایرانی و اسلامی اشاره می شود:

- ۱- تحقیق در تأثیر تورات و انجیل بر تفاسیر اسلامی و تبیین وجوه اشتراک وافتراق.
 - ۲- تحقیق در منابع شاعران.
 - ۳- تحقیق در چگونگی پیدایش قصص و اسمای اساطیری.
 - ۴- طرح مسأله تاریخ اساطیری ایران.
 - ۵- مقایسه ی روایات مختلف از یک داستان.
 - ۶- تفسیر و تأویل تلمیح.
- (شمیسا ۱۳۸۹، ص ۵۴-۵۶)

تلمیح در بلاغت فرنگی

تلمیح (allusion) در بلاغت فرنگی اشاره ی مختصری است به صراحت یا به صورت ضمنی به شخص یا واقعه یی یا اثر دیگری و بر اثر تداعی باعث می شود، که متن عمق بیشتری بیابد و موضوع تقویت می شود. در حقیقت نویسنده، تجربه و دانشی را با خواننده قسمت می کند یا او را به یاد سنت و مطلبی می اندازد و در آن با خود شریک و سهیم می کند.

منتقدان غربی با توجه به موضوع تلمیح چهار قسم برای آن برشمرده اند:

- ۱- اشاره به حوادث و مردم (اشخاص): بهشت گمشده میلتن.
 - ۲- اشاره به زندگی خود نویسنده: شعر جان دل.
 - ۳- تلمیحات استعاری: اشعار تی اس الیوت.
 - ۴- تلمیحات تقلیدی: شعر لندن ساموئل جانسون.
- (شمیسا، ۱۳۸۹، ص ۱۹)

تلمیح در انواع شعر فارسی

در اشعار نخستین فارسی تلمیحات ایرانی فراوان است. قالب این اشعار معمولاً قصیده است، پس می توان گفت که تلمیحات ایرانی مانند، گیو و گودرز و امثالهم در قصاید بیشتر دیده می شوند تا غزل و یا انواع دیگر شعر، و شاید دلیل آن این باشد که تلمیحات ایرانی حماسی و پهلوانی هستند و قصیده در اصل قالب حماسه است. در غزل بیشتر از تلمیحات اسلامی استفاده می شود. البته غزل به اعتبار غنایی بودن، مناسب ترین محل برای تلمیحات غنایی است چه اسلامی باشد و چه ایرانی از قبیل ذکر فرهاد و شیرین و لیلی و مجنون و غیره. در غزل از قصص حماسی در مقام پند و تنبیه استفاده می شود (همان، ص ۲۶)

در این جا یادآوری این نکته نیز ضروری است که همیشه میان اجزای تشکیل دهنده تلمیح، آرایه مراعات نظیر و تناسب هم مشاهده می شود، یعنی می باید چند جزی داستانی (لااقل دوجزء) که ماهیتاً به هم مربوطند، کنار هم قرار گیرند تا تلمیح به وجود آید. بنا براین اساس تلمیح بر تشبیه و تناسب استوار است. (شمیسا، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

انواع تلمیحات بکار رفته در اشعار اخوان

۱- تلمیح به آیه ی قرآن

اخوان در اشعارش از قرآن مجید، بزرگ ترین آبخور فکری عرفا تأثیر فراوانی گرفته است. این تأثیر پذیری علاوه بر جنبه عرفانی وجهه ای عالمانه به اشعار او بخشیده است. اخوان هر چند دلبسته گذشته پر شکوه ایران است به همان اندازه به اسلام و معارف اسلامی دلبستگی دارد.

گاه گه بیدار می خواهم شد زین خواب جادویی

همچو خواب همگنان غار

(اخوان، ۱۳۷۸، ص ۸۶)

اشاره به آیه ی ۹ و ۱۰ سوره کهف دارد. اَمْ حَسِبْتَ اَنْ اَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِیْمِ كَانُوا مِنْ ءَايَاتِنَا عَجَبًا. اِذْ اَوَى الْفِتٰیةُ اِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا ءَاتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَبْ لَنَا مِنْ اَمْرِنَا رَشَدًا.

اگر راست باشد حساب و کتاب

هم آن شهره میزان فعال او

که از خیر و از شر بسنجد درست

و گر هست یک ذره مثقال او

(اخوان ۱۳۷۶، ص ۷۲)

"فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ"

سوره زلزال آیه ی ۷ و ۸

گویا فرشته راست گفت، از آدم و حوا زمین

پر ظلم و جور و فتنه شد، چون جنگلی، ددلانه ای

(اخوان، ۱۳۷۸، ص ۳۱۶)

وَ اِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً..... اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ.

(سوره بقره آیه ی ۳۰)

سنجیدی و گفתי که هست یا نیست

آنرا که « منم چون شما بشر » گفت

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۴۱۲)

تلمیح به آیه ی انا بشر مثلكم، سوره كهف آیه ۱۰ دارد.

آنانكه در طریقِ خدا كشته می شوند

هرگز گمان مدار، كه نابود و مرده اند

بسان زنده اند، وزنده ی جاوید

گوی شرف زعرصه ی آفاق برده اند

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۲۰۶)

تلمیح به آیه ی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا، بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ) دارد.

(سوره آل عمران آیه ی ۱۶۹)

خاموش و غمگین کوچ می کردند.

افتان و خیزان، بیشتر با پشت های خم،

فرسوده زیر پشتواره ی سرنوشتی شوم و بی حاصل

چون قوم مبعوثی برای رنج و تبعید و اسارت،

این ودیعه های خلقت را همراه می بردند

(اخوان، ۱۳۷۹، ص ۵۵)

(اشاره به آیه ی ۴ از سوره ی بلد دارد. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ)

اگر تقدیر نفرین کرد یا شیطان فسون، هر دست یا دستان

صدایی برنیامد از سری، زیرا همه ناگاه سنگ و سرد گردیدند

(اخوان، ۱۳۷۹، ص ۲۰)

اشاره به آیه ی ۵ سوره ی ناس دارد. الَّذِي يُوسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

۲- اشاره به حدیث معروف وروایت

چوتوفیقت کند یاری پرستم

خداوندا، ترا هرچند بی شك

كه دانم هردورا داری پرستم

ولی نزشوق جنت، بیم دوزخ

پرستش راسزاواری پرستم

ترا ازبهر آن كاندر دوعالم

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۲۱۸)

اشاره دارد به كلام حضرت علی (ع) «الهی ما عبدتك خوفاً من نارک ولا طمعا فی جنتک، بل وجدتك

اهلاً للعباده، فعبدتك» (غررالحکم ودررالكلم، ج ۲، ص ۹۸۰)

علی گفت، آن مرد سالار برتر

نگر مرد سالار برتر چه گوید:

«بین گفته اش چیست، گوینده هر کیست

كه گوید رها كن، توبنگر چه گوید»

اشاره به سخن مولا علی (ع) دارد. أَنْظِرْ مَاقَالَ، لَا نَنْظُرَ الی مَنْ قَالَ.

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۱۱۴)

هم بر زیر چرخ برین باید رفت

هم دردل تاریک زمین باید رفت

در جستجوی علم شریف بشری

فرمود نبی که تابه چین باید رفت

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۲۱۱)

اشاره دارد به حدیث « اطلب العلم ولو بالصین » (بحار الانوار جلد ۲۴ ص ۳۷۳)

۳- تلمیحات ایرانی: سرچشمه آن مربوط به فرهنگ پیش از اسلام باز می گردد.

محمدرضا شفیعی کدکنی می گوید: «یکی از برجسته ترین خصوصیات شعر اخوان مسأله گرایش به اساطیر و ویژگی های زندگی ایرانی است و در یک کلمه خلاصه کنم: رنگ ایرانی شعر فارسی است و این خصوصیت از دوسوی قابل بررسی است: نخست اصل اطلاع از میتولوژی غنی و سرشار ایرانی که (بنفسه شعر محض است) و تأثر از گذشته ی دیر سال آن، و دیگر برداشت این مسائل و نوع تلقی آنهاست. و آن همه ستایشی که نثارمزدک ومانی وزرشت می کند، نتیجه ی همین پیوند روحی است با آن جهان ازدست رفته. » (محمدآملی، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳)

مگر دیگر فروغ ایزدی آذر مقدس نیست؟

مگر آن هفت انوشه خوابشان بس نیست؟

زمین گنبدید، آیا بر فراز از آسمان کس نیست؟

(اخوان ثالث، ۱۳۷۹، ص ۲۴)

در کتاب "مینوی خرد" ستایش آذر در کنار ستایش ایزدمهر ذکر شده است. و هر روز سه برابر خورشید و مهر.... ایستادن و به همین گونه ماه و آتش بهرام یا آتش آذر را بامداد و نیمروز و عصر نماز و ستایش کردن. (تفضلی ۱۳۷۴، ص ۷۵) پیش از تولد زرتشت، فره او به شکل آتش در سه شب متوالی در اطراف خانه نمایان بود و هنگام تولد نیز فرهش به صورت آتش متجلی بود. (زمردی، ۱۳۸۵، صص ۱۱۰-۱۱۲)

۴- اشاره به مثلی مشهور

نه ریزد پولش از بالای پارو به پایین، پاره پولک، خرد و ریزی

(اخوان ۱۳۷۶، ص ۷۳)

عبارتی است مثل گونه و مشهور که در بسیاری ثروت می گویند: فلانی پولش از پارو بالا می رود.

چهل شیرین قلندر گر بمیرند نبخشدشان زپارین مو، مویزی

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۷۳)

مثل است در قناعت و تسهیم و اشتراک به تساوی در داشته ی اندک و غیره که گویند: یک مویز را چهل قلندر می خورند

روی خواهان به سويشان، چونانک خانه اسخیا درش باز است

(همان جا)

گفت: آن حاجی راجی، که زکی تو همان به که سماقت بمکی

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۲۳۲)

دانی تو خود، خدایا نپسندم رسوا شترسواری دولا را

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۳۴۵)

اشاره دارد به ضرب المثل شتر سواری که دولا، دولا نمی شود.

۵- اشاره به داستان معروف

بگذریم از مثل رستم زال باز گردیم به این قال ومقال

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۱۷۹)

به داستان رستم اشاره دارد

گرچه مولانا جلال الدین شدن در وهم نیز

فکرش ای شمس نه تبریزی کند کافر ترا

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱)

به داستان مولانا و شمس تبریزی اشاره دارد.

رخش ماراکشته اند این نا برادر ناکسان تاسر چاه شغادپیر یابو چون کشد

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۳۱۸)

به داستان رستم و برادر ناتنی اش اشاره دارد.

وارثم من تخت عیسی را شهید ثالثم

وقت شد منصور اگر از دار می آید فرود

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۶۶)

به داستان منصور حلاج اشاره دارد.

۶- اسطوره ای: منشأ پیدایش این تلمیح به اساطیر کهن بشری برمی گردد.

اسطوره ها و افسانه ها که زاینده ی نیروی تخیل جمع در تبلور آرزوهای برآورده شده قومی، تجسم دردها و شادیهای تاریخی و پاسخ به مجهولات طبیعی و ماورا طبیعی آنها در مقابله با طبیعت و پدیده ها و جلوه ها و رویدادهای آن است، پس از آن که در طول تاریخ با عواطف و آرزوهای نسل های گوناگون می آمیزد، و به زندگی خویش ادامه می دهد، سرانجام به دست نویسنده ای توانا به قید کتابت در آمده و صورت تثبیت شده ای می یابد. اسطوره ها و افسانه ها با ظرفیت شاعرانه و سمبلیک و تأویل پذیری که دارند، در هر دوره ای برحسب شرایط و اوضاع خاص اجتماعی، می توانند، بار معنایی جدیدی را بپذیرند و از طریق تأویلی جدید سمبل بعضی افکار و حوادث نو در زمینه رخدادهای سیاسی و اجتماعی جامعه و عواطف شخصی گردند. (پورنامداریان، ۱۳۸۱، ص ۲۸۲)

بی تردید برداشت سمبلیک واستعاره‌ای از داستان‌ها و افسانه‌ها و اساطیر ارتباط مستقیمی با قدرت تخیل شاعر در منطبق کردن آنها با رویدادهای اجتماعی و همچنین احوال روحی و عاطفی خود دارد.

چه عمر کوتاه و بوی که خاک شد جمشید

ولی زمانه نکشته ست آتش سده را

(اخوان، ۱۳۷۹ ص ۲۱)

سده منسوب به عدد سد (صد) اصلاً از واژه سدک پهلوی مایه گرفته است. پور داوود در کتاب یشتها در خصوص جشن سده چنین می گوید: از زمان بسیار قدیم تا به امروز در سده آتش افروزی می شود. این جشن که در دهم بهمن اتفاق می افتد، بنا به سنت، روزی است که آتش پیدا شده است. (پورداوود، ۱۳۷۷ ص ۵۱۴) در کتاب اسطوره تا تاریخ استاد بهار فلسفه جشن سده را این گونه بیان می کند «چهل روز پس از تولد خورشید در شب اول ماه دی شب یلدا» نوعی آیین جادویی آتش روشن کردن را می بینیم که مربوط به سده است. به گمان من سده از ریشه sand اوستایی است، به معنی ظاهر شدن خورشید پس از آتش بر پا کردن در واقع جادویی است برای بازگشت خورشید و گرم کردن جهان. (بهار ۱۳۷۷، ص ۳۵۴) منشأ این جشن برمی گردد به داستان پیدایش آتش که بنا بر شاهنامه به زمان هوشنگ پیشدادی مربوط می شود.

نشانیها که می بینم در اوبهرام راماند

همان بهرام ورجاوند

که پیش از روز رستاخیز خواهد خاست

(اخوان، ۱۳۷۹، ص ۱۷)

بهرام فرشته ی پیروزی و نگهبان فتح و نصرت است. (پورداوود، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۲) کس از او پیروزگرتتر نیست. همواره درفش به پیروزگری ایزدان دارد. (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹، ص ۱۱۲)

۷- دین و مذهب موجب آفرینش این گونه تلمیحات می شود.

صدای ماه قمر را هنوز می شنوم اگرچه دور چوماه و چوناله در چاه است

(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۳۸۶)

اسلام مرا گفت که پاس تو بدارم کز پیش تو آموخته ام شعر روان را

(اخوان ۱۳۷۶، ص ۳۹۶)

اشاره به حدیث امام علی (ع) من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً دارد.

سوگند می خورم به شهیدان کربلا بدتر زسد آب بود قطع روشنایی

(اخوان، ۱۳۷۹، ص ۲۲۷)

۸- تلمیحات فولکوریک: این گونه تلمیحات به افسانه های عامیانه و شفاهی و شخصیت های مربوط به آن ها می شود که از فرهنگ توده نشئت می گیرد.
نیک بگشاییم شیشه های عمردیوان را
از طلسم قلعه ی پنهان، زچنگ پاسداران فسونگرشان
جلد برباییم.
برزمین کوبیم.
(اخوان، ۱۳۷۸، ص ۸۲)

۹- تأثیرات وقایع اجتماعی و سیاسی
این گلیم تیره بختی هاست
جنس خون داغ سهراب و سیاوش هاست
روکش تابوت تختی هاست
در شعر زیر علاوه بر تلمیح سهراب و سیاوش به غلامرضا تختی گشتی گیر جوان مرد و آزاده ی دوران معاصر اشاره دارد.

۱۰- در نتیجه انعکاس زندگی خصوصی شاعران در شعر

منم تاجهان باشد و شهریار
پیامی فرستم بر روزگار
که فردوسی طوسی پاک جفت
نه این نامه برنام محمود گفت
(اخوان ۱۳۷۶، ص ۱۳۲)

۱۲- پیشرفت علوم مختلف و آشنایی شاعر با آن علوم یا بخشی از آنها

طب همان فن شریفی است که در پرتو آن
راز عقبی طلبی خفته و دنیا داری (اخوان، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰)

۱۳- تلمیحات سامی: که شامل تلمیحات سامی اسلامی و تلمیحات سامی عربی است که دومی تلمیحات سامی عربی ذکر رجال دوره جاهلی عرب است. اما تلمیحات سامی اسلامی یا مربوط به خود رجال اسلام است، مانند احوال حضرت ختمی مرتبت و یا مطالب مربوط به تفسیر قرآن (اسرائیلیات) که بیشتر به تاریخ پیامبران قوم یهود اختصاص دارد. اما تلمیحات یونانی و هندی بیشتر مربوط به رجال علم است (بلیناس، هرمس). (همان، ص ۱۱)

از او نه شکوه دارم و نه رنجش
یوسف گرفته جای زلیخا را
(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۳۴۴)

تأمی شنوی زمزمه ی موسی عمران را
پس ارج منہ دمدمه ی سامریان را
(اخوان، ۱۳۷۶، ص ۳۹۵)

نتیجه گیری

تلمیح یکی از پرکاربردترین آرایه ادبی است که باعث خیال انگیزی و زیبایی کلام و ایجاز در سخن می گردد. و با بررسی آن می توان تا حدودی دامنه ی اطلاعات، فضای فکری، سبک و مکتب ادبی شاعر را شناخت و هرچه قدر تلمیحات برای خواننده واضح تر گردد، تأثیر شعر بر وی بیشتر و آشناییش با شخصیت و افکار شاعر افزون تر خواهد بود. تلمیحات اخوان در قالب تلمیحات قرآنی، روایت، اساطیری، تاریخی، دینی، شخصیت های علمی و ادبی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

از مباحث مطرح شده نتیجه می گیریم:

- هرچه قدر تلمیحات برای خواننده واضح تر گردد، تأثیر شعر بروی بیشتر و آشناییش با شخصیت و افکار شاعر افزون تر خواهد بود.
- تلمیحات اخوان بیشتر در قالب تلمیحات اساطیری، تاریخ، دینی و شخصیت های علمی و ادبی می باشد.
- بیشتر تلمیحات اخوان در ارغنون سنتی است و این نشان دهنده تأثیر پذیری اخوان از اشعار شاعران سنتی با وجود نوگرا بودنش است.
- مذهب و دانستنیهای قرآنی که به صورت اشاره، اقتباس، ترجمه، و تلمیح در ذهن شاعر وارد شده در اشعارش وجود دارد. حجم زیاد این اشعار بیانگر این نکته است و آن این که او توجه عمیق به قرآن و روایت داشته است.
- با توجه به تنوع و تشتت موضوع در شعر اخوان، بهتر می نماید که او را شاعری مطلع بدانیم زیرا پشتوانه عظیم شعرش هزار سال شعر فارسی است و همه ی موضوعات و قالبهای شعری گذشتگان را خوانده و می داند.
- در اشعار اخوان، گرایش به اساطیر و ویژگی های زندگی ایرانی بیشتر دیده می شود.
- تقریباً همه نوع تلمیحات در شعر اخوان دیده می شود.

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی
- ۲- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۸)، *آخر شاهنامه*، تهران، انتشارات مروارید
- ۳-، (۱۳۷۹)، *از این اوستا*، تهران، انتشارات مروارید
- ۴-، (۱۳۷۶)، *ترا ای کهن بوم وبر دوست دارم*، تهران، انتشارات مروارید
- ۵-، (۱۳۷۹)، *ارغنون*، تهران، انتشارات مروارید
- ۶-، (۱۳۷۹)، *زمستان*، تهران، انتشارات مروارید
- ۷- بهار، مهرداد، (۱۳۷۷)، *از اسطوره تا تاریخ*، تهران، نشر چشمه
- ۸- پورداوود، ابراهیم، (۱۳۵۷) *ویسپرد*، به کوشش بهرام فره وشی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- ۹- پورداوود، ابراهیم، (۱۳۷۷)، *یشت ها*، ج ۲، تهران، انتشارات اساطیر
- ۱۰- تفضلی، احمد، (۱۳۶۴)، *مینوی خرد*، تهران، انتشارات طوس.
- ۱۱- زمردی، حمیرا، (۱۳۸۵)، *نقد طبیعی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و منطق الطیر عطار*، تهران، انتشارات عطار
- ۱۲- شمیسا، سیروس، (۱۳۸۹)، *فرهنگ تلمیحات*، تهران، نشر میترا
- ۱۳- صادقیان، محمدعلی، (۱۳۷۹)، *زیور سخن در ادب فارسی*، انتشارات دانشگاه یزد
- ۱۴- فرنیغ دادگی، (۱۳۶۹)، *بندهش*، ترجمه ی مهرداد بهار، انتشارات طوس
- ۱۵- محمدی آملی، محمدرضا، (۱۳۸۹)، *آواز چگو*، تهران، نشر ثالث
- ۱۶- نقوی، امید، عزیزی پروانه، (۱۳۹۱)، *سخن آشنا*، گذری بر ادبیات فارسی از آغاز تا امروز، تهران، انتشارات فصل پنجم